

گنجینه های کشف در پارک

دکتر عیسی بهنام
استاد دانشگاه تهران

یونانی‌ها شرابشان را به این سکا‌های ساکن اطراف دریای سیاه می‌فروختند و به جای آن از آنها چوب و حبوبات و غلام (قطعاً توجه دارید که غلام در اجتماع یونانی‌ها نقش مهمی برعهده داشت) و پوست حیوانات مانند سنجاب و خز می‌گرفتند و تمام این‌ها فراورده‌هایی بود که سکاها از نقاط دور دست اروپا و آسیا به بنادر دریای سیاه برای مبادله می‌آوردند.

خواننده محترم خوب متوجه میشود به چه طریق سکاها سبب نقل و انتقال اصول هنری از نقطه‌ای به نقطه دیگر جهان گردیده‌اند. یکی از دانشمندان شوروی که در امر سکاها مطالعات زیاد دارد و راجع به داستان سیمرغ و دیگر داستان‌های ما هم مقاله جالبی نوشته است «رستوزف» نام دارد. توجه بفرمایید رستوزف چه میگوید: وی میگوید مردمی که بین دانوب و «دون» مسکن داشتند اقوام مختلفی بودند که به زبان ایرانی حرف میزدند. مقصود زبان فارسی نیست ولی زبانی است که کلمات ایرانی اصلی قدیم در آن زیاد دیده میشود. میان اقوام دیگر قوم اسلاو و فینوآ و سمرت را نیز ذکر میکند و اضافه می‌نماید که سمرت‌ها نیز به زبان ایرانی تکلم میکرده‌اند. واقعاً موضوع جالبی است که متأسفانه از حدود اطلاعات نویسنده این مقاله خارج است.

یونانیان قرن پنجم راجع به سکاها میگویند آنها نه گندم میکارند و نه زمین را شخم میکنند و دائماً خانه‌به‌دوش و در حرکت‌اند و به دنبال چراگاه برای گله‌هایشان میگردند. این مطلب مرا به یاد این چادرهای سیاه می‌اندازد که در فصول مختلف سال از کویر مرکز ایران به طرف نواحی شمال و یا به عکس نقل مکان می‌دهند و بسیاری از آنان در میان راه تهران و چالوس دیده می‌شوند. من همیشه آرزو داشتم از زندگی آنها اطلاع بیشتری پیدا کنم. ابتدا تصور میکردم مردم فقیری هستند ولی همین‌که با بعضی از چادرسیاهان

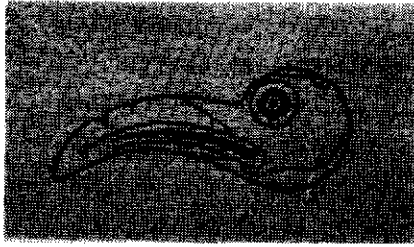
امروز می‌خواهیم از سکاها با شما صحبت کنیم زیرا اینطور به نظر میرسد که این مردم در ادوار مختلف تاریخ کشور ما از زمان مادها حتی تا دوران ساسانی نقش مهمی در اوضاع سیاسی و هنری ما داشته‌اند.

هنر سکاها خصوصاً داشتنه‌است که تقریباً در همه جا به آسانی تشخیص داده میشود و برای ما به جای نشانه‌ای است که ما را راجع به هویت این مردمان صحراگرد که دائماً در حرکت بودند روشن می‌نماید.

در این مقاله ما سکاها را در سرزمین واقع بین آسیا و اروپا یعنی انتهای شمال غربی شبه جزیره آناتولی و جنوب غربی یونان قدیم مطالعه می‌نمائیم. سپس برای دنبال کردن این مطالعه تا نواحی کوهستانی آلتایی پیش می‌رویم و چون به مطالب جدیدی بر میخوریم ناچار خواهیم شد در مقالات دیگری از سکاها برای خوانندگان این مجله صحبت کنیم.

در قرن شش و پنج پیش از میلاد مسیح سکاها رابطه‌های سیاسی و اقتصادی و هنری بسیار نزدیک با یونانی‌های ساکن بنادر اطراف دریای سیاه داشتند.

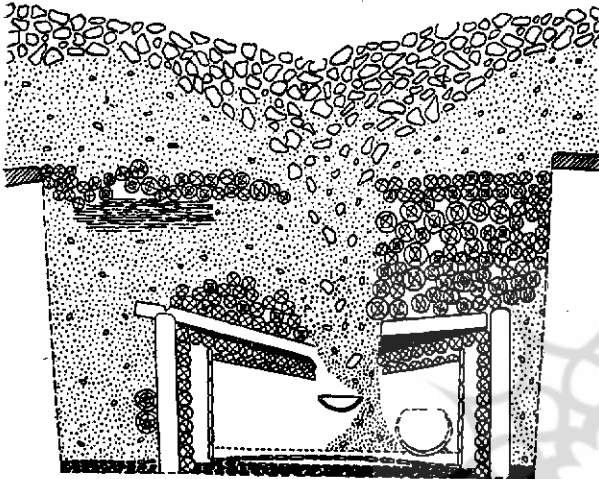
از نظر اقتصادی رابطه یونانی‌ها با سکاها در این نواحی بیشتر بستگی به شراب داشت. سکاها شراب‌خورهای غربی بودند که اختلاط آب را با شراب حرام میدانستند و شاید به همین سبب است که بیشتر ریتون‌هایی که در ایران از زمان هخامنشی‌ها پیدا شده اثر هنر سکایی دارند (شکل یک). مانند ریتون طلایی که در موزه ایران باستان حفظ میشود و هنگامی که آنرا برای نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران به پاریس می‌بردند قیمت آنرا دویست هزار دلار تخمین کردند. این ریتون از نظر هنری از بسیاری جهات با هنر سکایی قرابت دارد و بسیار جای تعجب است که بعضی دراصلیت آن تردید کرده‌اند. زیرا تمام خصوصیات هنر هخامنشی متأثر از هنر سکایی در این ریتون موجود است.



۳



۱

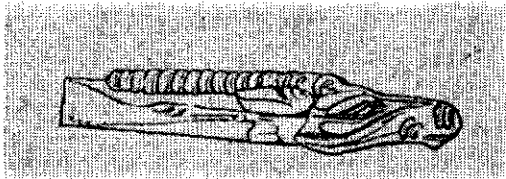


۴

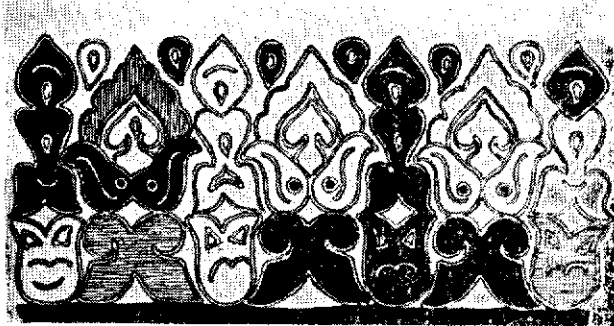


۲

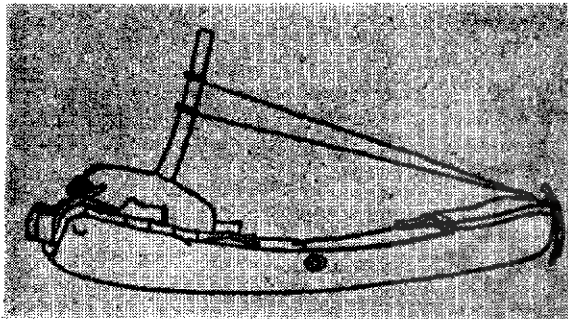
- ۱ - ریتون طلا متعلق به دوران هخامنشی - این ریتون قبلاً از ایران خارج شده بود و موزه ایران باستان آنرا خریداری و امروز در آن موزه حفظ می‌شود
- ۲ - این نقش روی ظرفی است که در ناحیه کوچ در یک کورگان سکائی پیدا شده و نشان می‌دهد چگونه در حدود قرن چهارم پیش از میلاد سکائی‌ها دندان می‌کشیدند و بای شکسته را می‌بستند
- ۳ - سرمغ ماهی‌خواری است که از برنز ساخته شده و روی آن باورقه‌ای از طلا پوشیده شده است. این زینت به حاشیه قبا دوخته می‌شده است و شباهت آن با هنر هخامنشی این است که روی تبه‌های لباس بزرگان هخامنشی نیز زینت‌هایی از این قبیل از جنس طلا دوخته می‌شد و نظایر آن در موزه ایران باستان زیاد است
- ۴ - تومولوس کورگان شماره ۳ با زیریک (اینگونه گورهای سکائی را تومولوس می‌گویند) - در این عکس سر تیرها و نقطه‌ای که قاقاق‌چیان از آن وارد تومولوس شده‌اند دیده می‌شود. از همان نقطه نیز آب‌وارد تومولوس شده و در حدود ۲۱۳۰۰ سال است که یخ زده است



٦



٧



٨



٩

- ٥ - این زینت‌ها که در شاخ حیوان تراشیده شده و بعداً رنگ زده شده است به زین و برگ اسب تعلق داشته است . در نقش شکل‌ها توجه فرمائید خواهید دید چگونه هنرمندان سکائی موجودات طبیعی را طوری بصورت مصنوعی درآورده‌اند که حتی شناختن آنها شاید کمی مشکل باشد
- ٦ - دسته شلاق به شکل سراسب که در کورگان شماره ٢ پیدا شده است
- ٧ - نقش لبه یک نمده که برای جل اسب بکار می‌رفته است. توجه فرمائید ناچه اندازه این نقش شبیه به نقش نمدهای امروزی ، در ترکمن صحراست
- ٨ - یکی از آلات موسیقی از جنس چوب که در کورگان شماره ٢ پیدا شده است

رتال جامع علوم انسانی

برپا میشود و معجز اینکه برف و باران و باد اثری در این چادر نشینان ندارد یا شاید دارد و ما نمیدانیم . به هر حال مردم سخت و ورزش کرده‌ای هستند که تحمل هر نوع سختی را دارند و مراتع سبز برایشان ارزش زیاد دارد .

بنابراین یونانی‌ها مردان سکایی تمام روز را روی اسب‌هایشان می‌گذرانند و مانند این که اسب و اسب‌سوار یک موجود است و نه دو موجود مختلف و شاید همین سکاها هستند که موجود خیالی «ساتتور» را در یونان به وجود آورده‌اند که بدن اسب و سر انسان دارد .

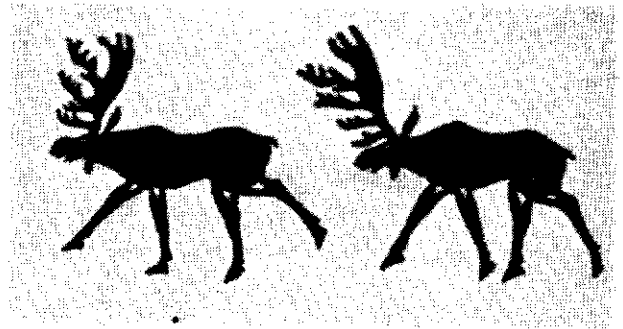
آشنا شدم دیدم زن‌هایشان در جوال‌هایی که مانند قالی بافته میشود طلا آلات زیاد دارند و هر قدر خارج چادرهایشان محقر است داخل آنها زیبا و مفروش از قالیچه‌های اعلاست . بیشتر این چادر نشینان گله‌های فراوان گوسفند و بز و شتر دارند . شتر واسب برای حمل وسایل زندگی آنان به کار می‌رود و وقتی قافله خانوادگی آنها به راه می‌افتد در میان پیچ‌وخم کوهستان منظره بسیار زیبایی به وجود می‌آورد . به محض اینکه تصمیم گرفتند در نقطه‌ای برای مدت یک هفته یا کمی بیشتر بمانند در عرض مدت چند دقیقه چادرهایشان

کمان دانی است که در آن کمان کوتاهی قرار داده‌اند و خنجر کوتاهی نیز بر کمر دارند. گاهی تبر یا نیزه سبکی نیز همراه آنان است. سپرهایشان بسیار کوچک است.

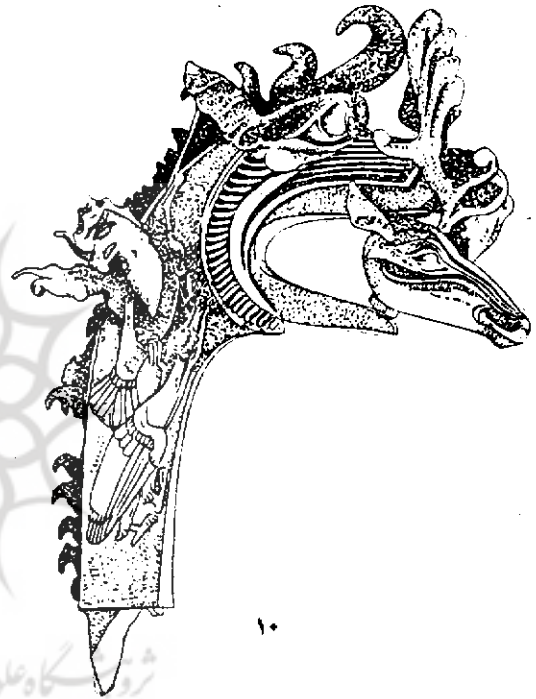
توجه بفرمائید هرودوت راجع به جنگ و گریز آنان چه میگوید: «آنها در ابتدا حمله مختصری می‌کنند و به محض این که دشمن خود را برای مقابله مهیا کرد سراسب‌هایشان را برمیگردانند و با سرعت غریبی یا به فرار میگذارند در حالی که سرشان را به عقب برگردانده تیرهایشان را به روی تعقیب‌کنندگان پرتاب مینمایند. آیا این همان سبک جنگ و گریز اشکانیان نیست که رومی‌ها را به جان آورده بود؟ نیز یونانی‌ها میگویند پیش از سکاها اطراف دریای سیاه بوسیله کیمری‌ها مسکون شده بود و وقتی سکاها زورمند وارد آن نواحی شدند کیمری‌ها از آنجا فرار کردند و به طرف قفقاز رفتند. سکاها به تعقیب آنان پرداختند ولی به جای این که وارد کوهستان قفقاز شوند از ساحل شرقی دریای سیاه پایین آمدند و وارد قسمت شرقی آسیای صغیر شدند.

در آن موقع یعنی بین قرن ۸ و ۷ پیش از میلاد مسیح در این ناحیه از جهان یعنی ناحیه ارمنستان کنونی و شمال بین‌النهرین کشور اورارتور و آشور قدرت فوق‌العاده یافته بودند و آشوری‌ها تصمیم داشتند با از بین بردن تمام جمعیت شهرهای دنیای آن زمان یا نقل و انتقال آنان به نقاط مختلف حکومت خود را بر جهان آن روز برقرار سازند. این هر دو قوم از وجود سکاها و کیمری‌ها برای جلوگیری از حملات قبایل صحراگرد شمالی استفاده نمودند. ولی این دو قوم پس از دفع خطر حمله قبایل شمالی خود، برای آشوری‌ها و اورارتوری‌ها خطر جدیدی به وجود آورده بودند و هر زمان با یکی از آنها برای سرکوب کردن دیگری متحد می‌شدند. بطوری که در نتیجه اتحاد آنها با آشور چیزی نمانده بود که اورارتور بکلی منقرض گردد، کمی بعد با اورارتور اتفاق کردند و آشور را تهدید نمودند و لی آشاره‌دون، پادشاه آشور دختر خود را به ازدواج رئیس آنها که پرتسوآ نام داشت درآورد و اتفاقات بعدی به قرار زیر بود.

کیمری‌ها با اورارتور عقد اتحاد بستند ولی در برابر آشوری‌ها ناچار شدند به غرب آسیای کوچک حرکت کنند و شهر سارد را گرفتند سپس سکاها با آشور متفق شدند و مادها را شکست دادند و تا دروازه‌های مصر رفتند و در تورات نیز ذکری از مظالم آنها هست. بعداً همان سکاها با مادها متفق گردیدند و آشور را از میان بردند و شهر نینوا را به باد آتش دادند و پس از این پیروزی مادها به فکر عقب راندن متحدان خطرناک خود افتادند و این کار به وسیله کیاکرار انجام گرفت و احتمالاً مجدداً سکاها به قفقاز و اروپای جنوب شرقی رهسپار شدند.



۹



۱۰

۹ - این نقش گوزن در چرم بریده شده و روی تابوت کوبیده شده است از کورگان شماره ۲

۱۰ - سر حیوان اساطیری یا فرضی که در دهان خود سرگوزنی را گرفته است. احتمال دارد که این شی به جای علامت و بیرق بکاررفته باشد

کلاه سکایی نوک‌تیز است و بارها در نقوش مختلف ایران و خصوصاً در تخت جمشید نشان داده شده است (شکل ۲). داریوش آنرا سکایی تیزخود (تیزگرا خودا) یعنی با کلاه خود نوک تیز نام برده است.

قبای آنان کوتاه بوده است و کمر بندی بر آن می‌بستند و شلوارشان مانند شلوار کردهای ما چین‌دار است و در پایین بسته است و چکمه‌ای از چرم نرم بر پا دارند. اسب‌هایشان رکاب ندارد و زین اسب‌هایشان فقط جل نمدی است. سلاحشان



۱۱

۱۱ - این حیوان شاخ‌دار خوابیده را که شما بارها در نقوش هخامنشی ملاحظه فرموده‌اید در قبر سکائی در پازیریک پیدا کرده‌اند. آیا هخامنشی‌ها به سکائی‌ها داده‌اند یا به عکس

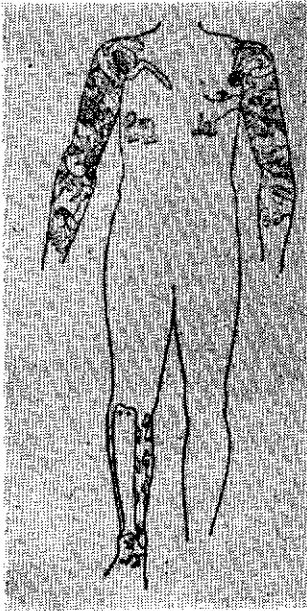
۱۲ - این کمر بند با ورقه‌های طلا زینت شده و بدون شک مطابق سلیقه امروزی شماست ولی در حدود ۴۳۰۰ سال پیش بوسیله سکائی‌ها ساخته شده است

۱۳ - این سر مومیائی شده زنی است که در تومولوس کورگان شماره ۴ پازیریک در کنار همسرش به خاک سپرده شده بود. پس از مرگ شوهرش او را مسموم کردند تا بتواند همراه او در جهان دیگر باشد. ظاهراً از نژاد اروپائی است نه از نژاد زرد

۱۴ - مردی که در تومولوس کورگان شماره ۴ پازیریک مومیائی شده و به خاک سپرده شده بود در بدنش خال کوبی داشت و این عکس نقش خال کوبی او را نشان می‌دهد



۱۲



۱۴

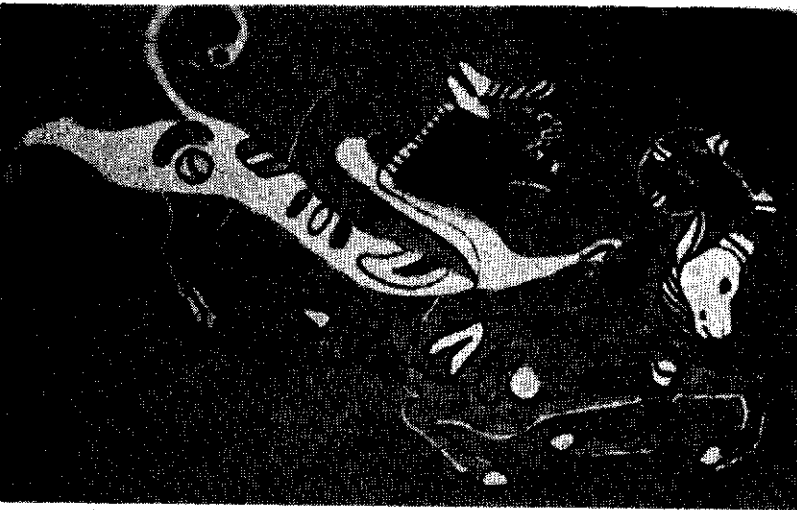


۱۳

در سال ۱۹۲۴ دانشمند معروف باستان شناس شوروی رودنکو شروع به کاوش‌های علمی در آن ناحیه نمود. نتیجه این کاوش‌ها کشف کورگان‌های مختلف در ناحیه پازیریک بود که در آن کورگان‌ها همراه با مردگان تعدادی اسب به خاک سپرده شده بود. بنا بر گفته هرودوت وقتی یکی از بزرگان سکایی وفات می‌یافت همراه او تعدادی از غلامان و خدمه و همسر او و گردونه و اسب‌هایش را به خاک می‌سپردند. علاوه بر قرائن باستان شناسی تجزیه باروش کاربن ۱۴ نیز به تاریخ‌گذاری این کورگان‌ها کمک کرده است. اشیایی که در کورگان‌های پازیریک پیدا شد از نظر مقایسه با نظایر آن که در کشور ما کشف گردیده بسیار قابل توجه می‌باشد.

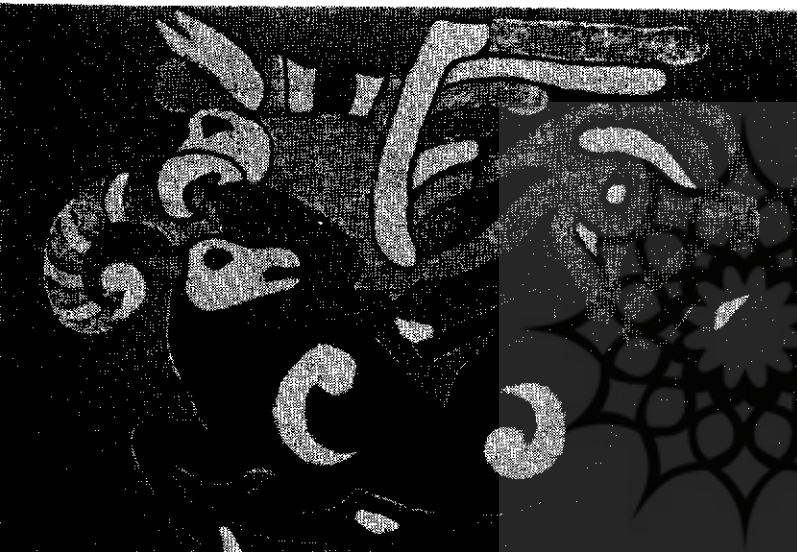
از این پس نام کیمری‌ها دیگر برده نمی‌شود ولی سکاها هنوز نقش مهمی در وقایع سیاسی این نواحی برعهده دارند. داریوش با آنها به نزاع پرداخت و از هلسپون عبور کرد و در ناحیه تراکیه به تعقیب آنها پرداخت. ولی سکاها با روش جنگ و گریز خود به نواحی شمالی‌تری رفتند و داریوش نتوانست آنها را به دست آورد ولی همین لشگرکشی سبب ایجاد جنگ با یونان شد.

اکنون سکاها را در نقطه دیگری از آسیا مطالعه می‌نماییم. کاوش‌هایی که در نواحی آلتایی در سیبری به وسیله دانشمندان شوروی انجام گرفته قسمتی از خصوصیات سکاها را که در آن قسمت از آسیا در حدود قرن سوم پیش از میلاد مسکن داشتند روشن می‌نماید.



۱۵ - این جزئیات نقش خال کوبی مردی است که در کورگان شماره ۲ با زیریک به خاک سپرده شده بوده است

۱۶ - این علامتی است از نماد رنگین که روی زین اسب الصاق گردیده است. توجه فرمائید تاجه اندازه شباهت به نقش حمله شیر بر گاو در تخت جمشید دارد. آیا شما هم هنوز این عقیده غلط را دارید که مقصود از این نقش حمله عنصر خوب بر عنصر بد است (از کجا معلوم شد که این حیوان یک شاخ عنصر بد است؟) یا مانند بعضی‌ها می‌گویند پیروزی اسد بر ثور است. آیا این نقش از تخت جمشید به سبیره رفته است یا نقش سگانی است که در تخت جمشید به کار رفته است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۶

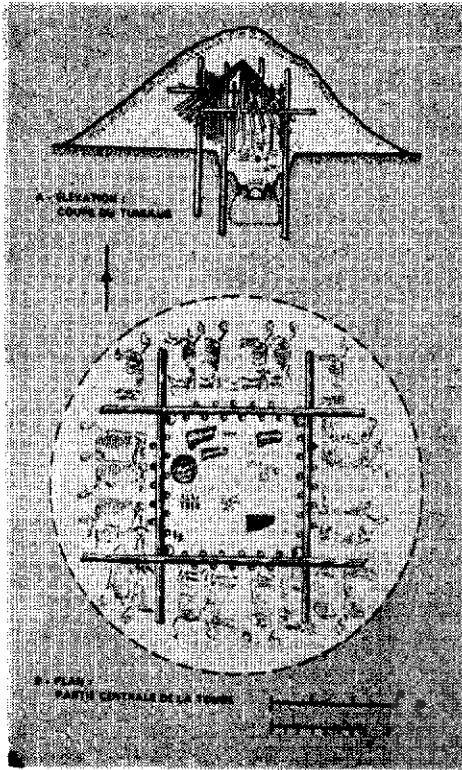
و در عکس شماره ۳ دیده میشود ۷۱ در ۷۸ و عمق آن ۴ متر بود. کف کورگان را با سنگ فرش کرده بودند و روی آن خاک ریخته بودند و روی خاک تیرهای چوبی قرار داده شده بود به طوری که میتوان گفت کف اصلی گوراز چوب بود. روی این کف چوبی تابوت قرار داشت، نه به معنای تابوت امروزی ما بلکه اطافی با عرض و طول ۳۵۶ در ۴۹ و ۱۵۰ متر ارتفاع که به وسیله تیرهایی که روی هم قرارداده بودند به وجود آمده بود.

طرز قراردادن تیرها بر روی هم همان است که امروز برای ساختمان‌های قسمت جنگلی گیلان و مازندران به کار برده می‌شود (مانند انگشت‌های دودست که لای هم قرار گیرند). این گورها اکنون به موزه ارمیتاژ انتقال داده شده و

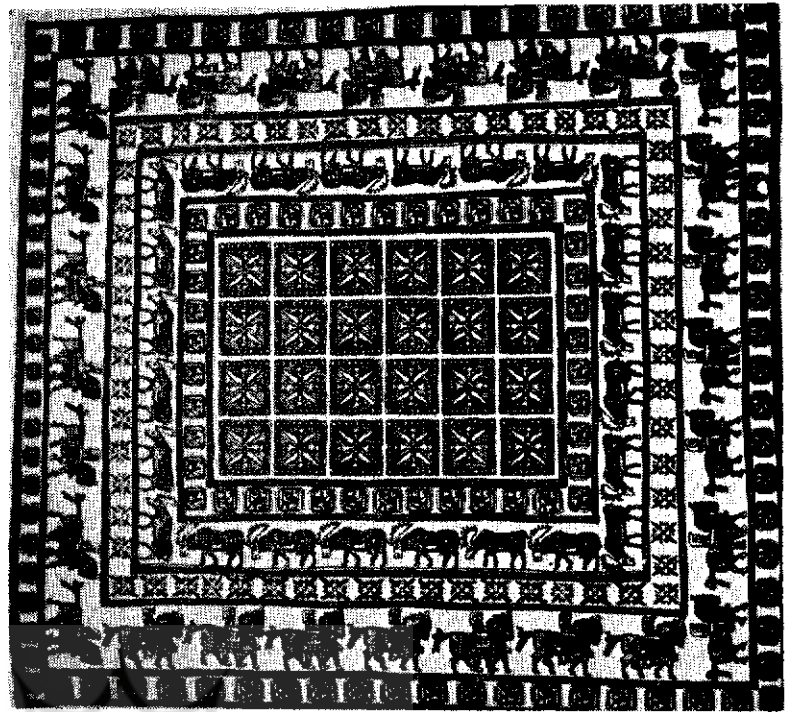
اکنون کورگان شماره ۲ با زیریک را مطالعه میکنیم. این کورگان در گورستانی بود که در آن پنج کورگان بزرگ و تعداد زیادی کورگان‌های کوچک قرار داشت که در دو ردیف قرار گرفته بودند. دره با زیریک در ارتفاع ۱۵۰۰ متر بالای سطح دریا در آلتایی شرقی قرار دارد و بستر یک یخچال قدیمی بوده است. رودنکو در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ کورگان شماره ۲ با زیریک را باز کرد.

قطر تپه‌ای که این کورگان در روی آن قرار داشت ۳۶ متر و ارتفاع آن از کف زمین ۴ متر بود و قسمت فوقانی آن از قله سنگ پوشیده شده بود. قاچاق‌چیان در میان آن چاهی زده بودند.

عرض و طول محل اصلی قبر که در زیر تپه قرار داشت



۱۸



۱۷

۱۷ - این خلاصه‌ای از نقوش قالی مکشوف در یازیریک است (یک متر و نود در دو متر). آیا شما با چادرش‌های ابریشمی قاسم آباد گیلان آشنایی دارید. در این صورت شباهت فوق العاده این قالی با آن چادرش را در خواهید یافت. آیا این اسب سوارها شباهت زیاد با اسب سوارهای نقوش برجسته تخت جمشید ندارند. آیا تصور نمی‌کنید که این قالی در ایران بافته شده باشد و بوسیله سکا‌نی‌ها به سبیریه رفته است؟

۱۸ - کشف یک قبر سکا‌نی در قفقاز. توجه فرمائید که اسبها در اطراف گور به خاک سپرده شده‌اند تا در جهان دیگر صاحب قبر بتواند از آنها استفاده کند. قرن شش پیش از میلاد

نموده بودند. موی اسبها سالم مانده بود و معلوم بود که همه آنها به رنگ تیره بودند. تمام زین و یراق و دهنه اسب و تزئینات دیگر آن در نتیجه یخزدگی سالم مانده بود و این اشیاء از چوب و عاج و چرم و نمد و فلزات مانند طلا بودند. در کنار اسبها سپرهای چوبی قرار داده شده بود و در کیسه‌ای چرمی مقداری پنیر بود. یک قشر دوازده سانتی‌متر یخزده‌ای روی گور قرار گرفته بود.

طرف دیوار جنوبی مرده را قرار داده بودند و طرف مشرق خوراک و آلات موسیقی و مجمر برای سوزاندن عود، و اسبها به طرف دیوار شمالی بودند. خوراکی‌ها روی چهار میز کوچک گذاشته شده بود.

داخل تابوتی یک مرد و یک زن بودند. اشیاء متعددی

نویسنده بعضی از آنها را با متوفی مومیایی شده، واقع در آن و تمام اشیائی که همراه او بوده‌است در آن موزه مشاهده نموده است.

از محلی که قاچاق چیان سوراخ کرده بودند آب وارد قبر شده بود و در نتیجه تمام اشیائی که داخل قبر بود به حال یخزده در آمده بود.

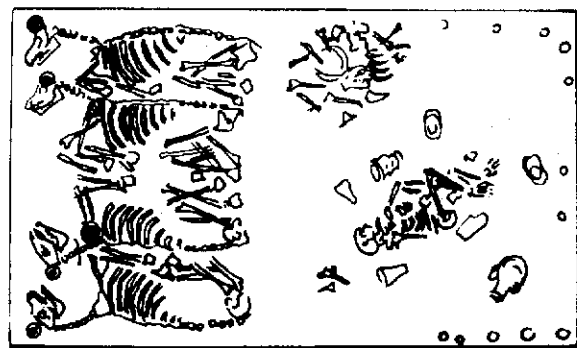
اسب‌هایی که همراه متوفی در قبر قرار داده شده بود در قسمتی از زمین قرار داشت که چندبار یخزده و مجدداً آب شده بود و در حال تجزیه بود و استخوان آنها در نتیجه فشار تیرهای سقف خرد شده بود. با این حال معلوم بود که تعداد اسبها ۷ عدد بود سرهمه آنها به طرف مشرق برگردانده شده بود و آنها را با ضرب تبری که بر روی پیشانی‌شان زده بودند هلاک



۳۹



۴۰



۱۹

۱۹ - يك قبر حسنلو در اطراف دریاچه رضاییه (قرن ۸ پیش از میلاد). توجه فرمائید که چهار اسب و يك گردونه در این گور به خاک سپرده شده است تا در جهان دیگر مورد استفاده قرار گیرند

۴۰ - يك بت برنزی که در لرستان کشف گردیده و طرز قراردادن حیوان در بالای سر رب النوع از خصوصیات هنر سکائی است (دوران پیش از هخامنشی)

۴۱ - زینت مربوط به زین و برگ اسب که از چوب و چرم ساخته شده و در پایریک پیدا شده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

چپ يك سوراخ دیده می شد . شکم و مغز او را خالی کرده و سپس محل آنرا با نخ دوخته بودند . او در جوانی خال کوبی کرده بود .

ما نظیر چنین گورهایی را در زیویه و حسنلو کشف کردیم و حدس زده می شود که قبر زیویه متعلق به زمانی است که سکاها با اتحاد با آشور موفق شدند مادها را شکست دهند و مدت کوتاهی در ناحیه مانایی در کنار دریاچه ارومیه بر مردم بومی مسلط بودند .

امیدواریم در مقاله دیگری اشیاء مکشوف در کورگان های اطراف دریای سیاه و قفقاز و ناحیه آلتایی را با نظایر شان در ایران مقایسه نماییم .

همراه آنان بود همراه زن دوجفت چکمه بود که به طرز زیبایی ساخته شده بود . زن و مرد هر دو مومیائی شده و بیخ زده بودند . زن چهل ساله بود و برای اینکه او را مومیائی کنند سرش را تراشیده بودند . دندان هایش سالم بود و مرگ او طبیعی بنظر میرسید یعنی برای کشتن او و قرار دادن نزد شوهرش به او ضرب های زده بودند و شاید او را مسموم کرده بودند . برای مومیائی کردن او قسمتی از استخوان شقیقه اش را شکافته بودند و پس از این که مغز او را بیرون آورده بودند استخوان را مجدداً در جای خود قرار داده بودند .

مرد در موقع مرگ ۶۰ ساله بود و احتمالاً در جنگی کشته شده بود زیرا در طرف راست سر او دو سوراخ و در طرف